**٣٣ - حرکت دائم و ملازم وجود و انواع حرکت و حرکت جوهريه و ترّقی و نشو و نمای عالم هستی**

از حضرت نقطه در صحيفه اصول و فروع است. قوله الاعلی: "خلق هر شيئی را چنان بدان بمثل خلق نفس خود که از مقام نطفه ذکر آن بوده تا مقاماتی که الی ما لا نهاية لها از برای تو در علم خداوند بوده بيقين مشاهده کن که مقام اوّل تو فرع مقام ثانی است بلکه مقصود از خلقت نطفه علقه است و همچنين الی ما لا نهاية له بمقاماتی که حضرت رب ‏العزةّ مقدّر فرموده و دليل برين امر ظهور مقدورات است که محال تجلّيات قدرت است."

و از حضرت عبدالبهاء در مفاوضات. قوله العزيز: "بدانکه شيئی موجود در مقامی توقّف ننمايد يعنی جميع اشياء متحرّک است. هر شيئی از اشياء يا رو بنموّ است يا رو به دنوّ. جميع اشياء يا از عدم بوجود ميآيد يا از وجود بعدم ميرود. مثلا اين گل و سنبل يک مدّتی از عدم بوجود ميآمد حال از وجود بعدم ميرود. اين حرکت را حرکت جوهری گويند يعنی طبيعی، از کائنات اين حرکت منفک نميشود چه که از مقتضای ذاتی آنست مثل اينکه از مقتضای ذاتی آتش احراق است."

و قوله الجليل: "تغيير احوال و تبدّل و انقلاب زمان از لوازم ذاتيّه ممکنات است و لزوم ذاتی از حقيقت اشياء انفکاک ندارد."

و از آنحضرت در خطابه ايست. قوله العزيز: "انسان از بدايت وجود رو بترقّی است تا بدرجه توقّف رسد بعد از توقّف تدّنی است. اين شجر از بدايت وجود رو بنشو و نما است تا بنهايت ترقّی رسد لابد بعد از ترقّی تدّنی است. مثلا اين مرغ پرواز دارد تا رو باوج ميرود در ترقّی است چون توقّف نمايد رو بتدّنی است. پس معلوم شد که حرکت جوهری از برای جميع کائنات است لهذا در عالم ارواح اگر چنانچه برای روح ترقّی نباشد توقّف است زيرا حرکت از برای وجود لزوم ذاتی است انفکاک ندارد يا حرکت ذاتيّه است يا حرکت کميّه يا حرکت روحيّه يا حرکت جوهريّه."